

ایرادی بر حکم پژوهشی وارد ندیده و بشماره ۱۴۰۵ - ۲۶/۸/۱۶ حکم مزبور را استوار کرده است .

رویه دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه وصیتنامه که پیش از انتشار قانون راجع بطرز تنظیم وصیتنامه نوشته شده (از لحاظ تنظیم نشدن مطابق آن قانون) ترتیب اثر نداده است

ماده ۲۹۱ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹

زنی در تاریخ ۱۳۲۱/۱۱/۲۵ بدادسرای شهرستان شرحی نوشته حاکی از اینکه شوهر من سه ماه قبل فوت کرده و دو فرزند صغیر از او باقی مانده و اموال او مورد تعرض فرزندان کبیر او واقع شده و اینجانب برای حفظ حقوق خود و صغار تقاضای اقدام مقتضی را دارم - در خلال اقداماتی که از طرف دادسرا بعمل آمده پسر بزرگ متوفی وصیتنامه و صلح نامه ابراز داشته و خود را وصی و برادر دیگر را ناظر معرفی کرده و بالاخره قضیه از دادسرا طبق ماده ۷۳ قانون امور حسبی بدادگاه شهرستان ارجاع شده است .

دادگاه بس از شنیدن توضیحات دو طرف رأی داده است که متوفی طبق اظهار دو پسر بزرگش سواد نداشته و املاک را بنام خود تقاضای ثبت کرده و وصیتنامه مطابق قانون تنظیم نشده و قابل پذیرفتن نیست و دادسرا باید برای تعیین سرپرست صغار اقدام نماید .

از این رأی دو برادر مزبور پژوهشخواسته اند و همان رأی بدوی ابتداغیباً و سپس حضوراً نیز در شعبه ۳ دادگاه استان ۱ و ۲ استوار شده است .

بر اثر فرجام خواسته شدن از این حکم شعبه ۴ دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره ۲۶/۴/۸-۷۵۳ چنین رأی داده است .
 (با آنکه تاریخ وصیتنامه استنادی مقدم بر تاریخ انتشار قانون راجع بطرز تنظیم وصیتنامه است استدلال دادگاه در زمینه اینکه بایستی طبق قانون مزبور تنظیم شده باشد صحیح نیست و چرن از طرف دیگر فرجام خواهان بصلح نامه نیز استناد کرده بودند که از طرف دادگاه نسبت بآن توجهی نشده و تصمیمی اتخاذ نگردیده از اینجهت رسیدگی مخالف مقررات قانون بوده حکم مورد فرجام شکسته میشود و رسیدگی پیرونده بشعبه دیگر دادگاه استان ۱ و ۲ ارجاع میشود) .

رویه دیوان کشور پر شکستن

در موردیکه دادگاه دعوی الزام بانجام تعهد را باستناد صدور سند مالکیت بنام خواننده رد کرده است

ماده ۱۰ قانون مدنی

کسی بخواسته الزام بانجام تعهد ووفای بشرط در موضوع انتقال یكدانگك و نیم مشاع از ششدانگك ملكی دادخواست بظرفیت یك نفر بدادگاه بخش داده و توضیح داده كه این جانب مطابق سند رسمی ملك مزبور را در مقابل پانزده هزار ریال بخوانده تمليك نموده ام و مشارالیه ضمن سند عادی تعهد کرده در صورتیکه این جانب هیجده هزار و هشتصد ریال تا آخر سال بپردازم عین ملك را بمن انتقال دهد و با اینکه قبل از انقضای مدت وجه را داده ام مشارالیه در انتقال مسامحه دارد .

دادگاه بخش پس از رسیدگی حکم بانجام تعهد ووفای بشرط داده است . از این حکم محکوم علیه پژوهش خواسته و دادگاه شهرستان خوی پس از رسیدگی (از لحاظ اینکه مطابق ورقه مالکیتی که خواننده ارائه داده مالکیت پژوهش خواننده

در ملک مورد دعوی محرز است و مجالی برای اقامه دعوی و رسیدگی بسایر اظهارات طرفین باقی نمیماند و بر فرض اقامه دعوی از طرف پژوهشخوانده و صدور حکم بدوی هم چون مطابق ماده ۱۷ قانون ثبت اسناد اقدام نشده و اقامه دعوی هم باین کیفیت موافق قانون نیست بلا اثر است (حکم بدوی را گسیخته و پژوهش - خوانده را محکوم به بیحقی و پرداخت مبلغی از بابت خسارت حق الوکاله کرده است .

محکوم علیه از این حکم فرجام خواسته و شعبه ۸ دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۵۵ - ۲۷/۲۱۶ چنین رأی داده است (چون استدلال دادگاه بر قابل رسیدگی نبودن دعوی بااستناد (تحقق مالکیت مدعی علیه اقامه شده و قطعاً ادعا کرده که (مدعی علیه بموجب تعهدی که نموده باید ملک محقق خود را بمن انتقال دهد) و هیچ مانع قانونی برای رسیدگی باین دعوی وجود ندارد و تقدیم تصدیق طرح دعوی در محکمه با اداره ثبت بملاحظه آنکه مدعی بدوی اعتراض به تقاضای ثبت مدعی علیه نداشته بی مورد بوده ، لذا حکم فرجام خواسته مخالف قانون است و بر حسب شق ۲ از ماده ۵۵۹ قانون دادرسی مدنی شکسته میشود و رسیدگی مجدد بدادگاه شهرستان ارجاع میگردد)

رویه دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه حکم راجع باعترض بر انحصار وراثت را

غیابی تلقی کرده است

ماده ۲ و ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی

کسی بوکالت از دو نفر بدادگاه بخش دادخواست تصدیق حصر وراثت داده باین توضیح که مورث موکلین فوت کرده و وراث او دو نفر موکل و عیال او میباشد و درخواست رسیدگی و صدور تصدیق حصر وراثت آنرا دارم - پس از انتشار آگهی

های نوبتی در خلال گذشتن مدت آگهی ها یک نفر دیگر دادخواست و اخواهی داده و دادگاه بخش پس از رسیدگی معترض را غیاباً برد اعتراض محکوم کرده است و پس از داده شدن دادخواست اعتراض از طرف نامبرده همان دادگاه مجدداً رسیدگی کرده و حکم اول را استوار نموده است .

معارض از این حکم پژوهش خواسته و دادگاه شهرستان اصفهان نیز پس از رسیدگی حکم بدویرا استوار مینماید محکوم علیه این رأی را غیابی دانسته و اعتراض کرده است و در دادگاه شهرستان مجدداً حکم اول استوار میشود .

بر اثر فرجام خواستن محکوم علیه شعبه ۳ دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره ۳۲۳ - ۲۷/۲/۲۸ چنین رأی داده است :

(در این قضیه دادگاه بخش ابتدا اعتراض معترض را رد کرده و سپس دادخواست و اخواهی که از طرف او داده شده قبول و رأی مورد و اخواهی را استوار کرده و همین رأی در مرحله پژوهشی در دو نوبت استوار شده است در حالیکه مطابق ماده ۳۶۳ قانون امور حسبی که حکم دادگاه را قابل پژوهش دانسته است قبول دادخواست و اخواهی مجوزی نداشته و از این جهت استواری رأی دادگاه بخش صحیح نبوده و بموجب ماده ۵۵۶ آئین دادرسی مدنی رأی فرجام خواسته شکسته میشود و رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه شهرستان اصفهان ارجاع میگردد .)

رویه دیوان کشور پر شکستن

در موردیکه دادگاه کیفر متهم را بمیزان قانونی تخفیف نداده است
ماده ۴۴ و ۱۹۲ قانون کیفر عمومی

کسی باتهام ضرب منتهی بقتل تحت تعقیب دادرسی شهرستان در آمده و پس از بازجوئی از طرف بازپرس و تنظیم کیفرخواست برطبق قسمت اول ماده ۱۷۱ قانون کیفر عمومی تقاضای صدور حکم مجازات متهم از دیوان جنائی اصفهان میشود دیوان

مزبور پس از رسیدگی باستناد قسمت اول ماده ۱۷۱ قانون کیفر عمومی با رعایت مواد ۴۴ و ۱۹۲ قانون مزبور او را بدو سال حبس مجرد محکوم کرده است .
محکوم از این حکم فرجام خواسته و شعبه ۲ دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۸ - ۲۷/۱/۱۸ چنین رأی داده است :

(بر حکم دیوان جنائی استان دهم ایراد قانونی وارد است چه بسا آنکه دادگاه جنائی در رأی خود استناد بماده ۱۹۲ نموده که در حقیقت امتیاز قانونی داشته است حبس با اعمال شاقه را تبدیل بحبس مجرد نماید و این تبدیل در واقع تخفیف مجازات محسوب میشده است لازم بود در صورت اتکاء بماده ۴۴ از قانون مجازات عمومی برای منظور تخفیف حبس مجرد را تبدیل بحبس تأدیبی نماید و این قسمت را انجام نداده است بنابراین حکم مزبور بموجب ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری نقض و ختم عمل و رسیدگی نهائی بدیوان جنائی مرکز ارجاع میگردد)

رویه دیوان کشور پر شکستن

در موردیکه دادگاه شکایت از اداره ای را بمافوق بزه دانسته است
ماده ۱۶۲ قانون کیفر عمومی

کسی باتهام توهین بااداره ای در دادسرای شهرستان تحت تعقیب درآمده و در نتیجه رسیدگی دادگاه جنجه تبرئه میشود دادستان شهرستان از این حکم پزوهش خواسته و دادگاه استان کرمانشاه پس از رسیدگی (باستدلال اینکه توهین بااداره ای توهین بمستخدمن آن اداره است) عمل را بزه دانسته و با تطبیق باماده ۱۶۲ قانون کیفر عمومی او را بدوماه حبس تأدیبی محکوم کرده است .

بر اثر فرجامخواستن دادستان استان شعبه پنجم دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۲۸۳ - ۲۶/۹/۵۰ چنین رأی داده است .

(شکایت از یک اداره بمافوق قانوناً جرم تلقی نمیشود و تعبیر باینکه افتراء و توهین نسبت بیک اداره راجع باعضای آن اداره است صحیح نمی باشد بنابراین حکم فرجامخواستنه بانفاق آراء شکسته شده و برای رسیدگی مجدد برطبق ماده ۴۵۸ آئین دادرسی کیفری ارجاع نمیشود) .